

## نگرش تطبیقی به تحولات قانون مجازات اسلامی راجع به تعدد جرم

نسرین مهرا\*

عباس موذن\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۲/۱۰/۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۷/۰۶/۱۳۹۴

### چکیده

همان‌طور که کیفر و تعیین کیفر به‌طور کلی نیازمند توجیه است، در رابطه با فردی که مرتکب جرائم متعدد شده است، این توجیه از پیچیدگی و ابعاد مختلفی برخوردار است. عدالت و انصاف حکم می‌کند مجازات کسی که یک بار مرتکب جرم شده در مقایسه با فردی که چندین بار نظم عمومی را مختل نموده است، یکسان نباشد. ارتکاب جرائم متعدد می‌تواند نشانه ناسازگاری و حالت خطرناک بزهکار باشد. از این‌رو، تعدد جرم به عنوان یکی از علل تشدید مجازات به شمار آمده است. تعیین مجازات برای مرتکبین جرائم متعدد از مشکلات نظام عدالت کیفر است. در حقوق کیفری ایران، اتخاذ شیوه‌ای مناسب به منظور تعیین مجازات جرائم متعدد متهم با تحولات و تغییرات متعددی همراه بوده است. از تاریخ تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۲ تا قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، قاضی حق تشدید مجازات به بیش از پیشینه مقرر قانونی را نداشته است؛ بنابراین از این حیث وضعیت مرتکب عادی متفاوت از مجرم متعدد نبود. هرچند صدق عنوان تشدید بر محکومیت متهم به حداکثر مجازات قانونی، محل تردید و انتقاد بوده است. قانون‌گذار در قانون سال ۱۳۹۲ به این مناقشه‌ها پایان داد. با این وصف قاضی می‌تواند با وجود تعدد به بیش از پیشینه مجازات حکم صادر نماید یا پیشینه مجازات را به اجبار تعیین نماید. این مقاله ضمن واکاوی اراده جدید قانون‌گذار در برخورد با مجازات

---

\* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

docnas@mail.com

\*\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

a\_moazzen1352@yahoo.com

مرتکبین جرائم متعدد، به بررسی تأثیر این راهکار به حالات و اوصاف خاص تعدد جرائم ارتكابی هم خواهد پرداخت. همچنین در پایان با مراجعه به حقوق کیفری انگلستان و رویه‌های قضایی مرتبط، ابهامات مربوط به تعیین کیفر متهم در قانون مجازات اسلامی جدید، به صورت تطبیقی با این نظام حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است.

### کلید واژگان

تعدد جرم، تعدد اعتباری، تعدد مادی، تشدید مجازات.

## مقدمه

در نظام کیفری ایران در تعیین کیفر دو دسته از عوامل مشدده دخالت دارند؛ عوامل مشدده عام و عوامل خاص مختص بعضی از جرائم. عوامل مشدده عام، عواملی هستند که به جرم خاصی اختصاص ندارند در مقایسه با عوامل خاص که تنها به جرائم خاصی مربوط هستند مانند ارتکاب سرقت در شب. تعدد جرایم یکی از این عوامل مشدده عام است. تعدد جرم اشاره به وضعیتی دارد که در آن متهمی مرتکب جرائم متعدد شده است لیکن برای هیچ‌یک از آن جرائم مجازات نشده است.<sup>۱</sup> قانون‌گذار ارتکاب بیش از یک جرم را از موجبات تشدید مجازات دانسته و به قاضی اختیار داده است که مجازات مرتکب را در چارچوب قانون تشدید نماید. در حقوق کیفری انگلستان نیز تعدد جرم به‌عنوان توجیه مناسبی برای تعیین مجازات با رویکرد تشدید شناسخته شده است. عدالت و انصاف فردی را که یک بار مرتکب جرم شده است در مقایسه با فردی که مرتکب جرائم متعددی است، قابل سرزنش‌تر می‌داند.<sup>۲</sup> روشن است ارتکاب جرائم متعدد نشانه حالت خطرناک و ناسازگاری فرد از منظر جرم‌شناسی است. بنابراین دفاع از جامعه اقتضا می‌کند که نسبت به بزهکاران ناسازگار تصمیم دیگری غیر از مجازات اتخاذ گردد.<sup>۳</sup> مهم‌ترین شرط تعدد جرم، ارتکاب جرائم متعدد توسط یک شخص و عدم تعیین مجازات برای جرائم بعدی است.

در حقوق انگلستان نیز تعدد جرم حالتی است که فرد، مرتکب جرائم متعدد شده که هنوز محاکمه و مجازات نشده است. این جرائم ممکن است در یک زمان یا در طول یک دوره طولانی یک یا چند ساله ارتکاب یافته باشد. بدیهی است دادگاه ممکن است مجازات‌های متعددی تعیین نماید. در نظام حقوقی انگلستان به چنین مجرمینی «مجرمین مزمن»<sup>۴</sup> می‌گویند؛ مجرمین مزمن اولیه، افرادی هستند که برای اولین بار هم زمان بخاطر ارتکاب جرائم متعدد که دلالت بر عادت آنها به نقص قانون دارد محاکمه و مجازات می‌شوند.

در نظام حقوقی ایران، تعدد بر دو قسم است؛ مادی و معنوی. تعدد مادی اشاره به وضعیت

۱. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، طرح نو، چ دوم، ۱۳۵۱، ص ۲۱۰.

۲. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران: نشر میزان، جلد دوم، ۱۳۹۳، ص ۲۲۰.

۳. نوربها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ هفتم (ویرایش جدید)، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۸۵، ص ۴۰۹.

4. Persistent offender.

متهمی دارد که مرتکب افعال متعددی شده است که هر یک از آنها جرم مستقلی هستند.<sup>۱</sup> هرگاه فعل واحد واجد عناوین متعدد مجرمانه باشد، تعدد اعتباری یا معنوی محقق می‌شود. این مقاله در دو فصل جداگانه، ضمن تبیین مفهوم تعدد مادی و معنوی، به ابهامات و جنبه‌های مختلف مربوط به تعیین کیفر در جرائم متعدد می‌پردازد.

## ۱. تعدد اعتباری

در تعدد اعتباری مرتکب تنها یک فعل مادی مرتکب شده است اما رفتار وی با دو یا چند عنوان مجرمانه منطبق است؛ به عبارت دیگر، شمول چند وصف جزایی بر فعل واحد.<sup>۲</sup> برای مثال، شخصی که با سرقت اثر تاریخی، مرتکب تخریب و جابه‌جایی اثر تاریخی نیز شده است. در تعدد اعتباری، تنها یک سبب برای مجازات وجود دارد و آن فعل واحد مرتکب است اما این فعل متضمن عناوین مجرمانه متعددی اعتبار می‌شود. اگر مجازات بر اساس عناوین ناشی از فعل باشد، هر عنوان مجرمانه می‌تواند سبب مستقلی برای تعیین مجازات تلقی شود؛ در حالی که مبنای تعیین مجازات در تعدد، متعدد بودن افعال ارتكابی متهم است نه عناوین متعدد مجرمانه ناشی از آن فعل.

در تبیین تعیین مجازات در تعدد معنوی، نظرات مختلفی ارائه گردیده است که در قالب سه رویکرد مستقل، قابل طرح است. مطابق دیدگاه نخست، در تعیین مجازات در تعدد مادی و اعتباری از راهکار یکسانی می‌بایست استفاده شود. از نظر این دیدگاه، تعدد جرم به هر حال از عوامل مشدده است. این اعتقاد در تعدد مادی قابل توجیه است اما در تعدد اعتباری به دلیل ارتکاب فعل واحد، تشدید مجازات توجیه‌پذیر نیست. دیدگاه دوم، اعتقادی به تعدد اعتباری ندارد؛ زیرا، چند نقض قانونی و عنوان مجرمانه نمی‌تواند دقیقاً منطبق بر عمل واحدی باشند. به عبارت دیگر، تعدد اعتباری تعارض بین مواد متعدد قانون است که قاضی در تقابل و تعارض این مواد با قبول راهکار تعیین مجازات اشد حل تعارض می‌کند. این عقیده در خصوص بعضی از جرائم قابل پذیرش است؛ مانند زمانی که شخص مرتکب سرقت با شکستن حرز می‌شود؛ شکستن حرز از موجبات تشدید تلقی و مستوجب مجازات شدیدتر است زیرا، عنصر شکستن قابل تفکیک از

۱. زراعت، عباس؛ مجازات‌ها و اقدامات تأمینی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، چ اول، ۱۳۹۲، ص ۱۹۸.

۲. باهری، محمد و میرزا علی‌اکبرخان، داور؛ حقوق جزای عمومی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۰.

سرقست نیست. در این فرض با تعدد واقعی مواجه نیستیم، بنابراین باید در خصوص این موارد قائل به تفکیک بود. در رویکرد سوم، ضمن پذیرش مفهوم تعدد معنوی، عمل مرتکب را قابل انطباق با مواد متعدد قانون می‌داند؛ برای مثال، کلاهبرداری با استفاده از سند مجعول. هرچند در این مثال فعل واحد است اما دو عنوان مجرمانه را با هم دیگر درگیر می‌نماید. پس در این فرض مجازات جرم اشد تعیین می‌شود<sup>۱</sup> هرچند این قاعده و نحوه تعیین مجازات جای تأمل دارد و در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. با توجه به تقسیم‌بندی مجازات‌ها به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات و قواعد خاص حاکم بر جرائم حدی، دیات و قصاص، قواعد تعدد اعتباری در رابطه با جرائم حدی، قصاص و دیات مستقل از تعزیرات مورد بررسی قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

## ۲. تعدد اعتباری در حدود، قصاص و دیات

در صورتی که فعل واحدی شامل عناوینی متعددی باشد که این عناوین شامل تعزیرات یا جرائم حدی یا قصاص یا دیه باشد، تعدد اعتباری محقق نخواهد شد و نظام جمع مجازات‌ها رعایت می‌شود. برای مثال در صورتی که حرق و تخریب به قتل یا نقض عضو یا جراحت و صدمه انسانی منجر شود مرتکب به مجازات‌های مذکور حسب مورد، به قصاص و پرداخت دیه و تعزیر محکوم خواهد شد (ماده ۶۸۹ قانون تعزیرات).

با ملاحظه مواد دیگر، قانون‌گذار در اجتماع قصاص با جرم تعزیری هرچند عمل منطبق با تعدد اعتباری است اما قواعد تعدد مادی را در اجرای مجازات جاری می‌کند.<sup>۳</sup> در خصوص جرائم

۱. میرمحمدصادقی، حسین؛ **جرائم علیه اموال و مالکیت**، چاپ ۳۵، تهران: نشر میزان، چ سی و پنجم، ۱۳۹۲، ص ۶۸

۲. پوربافرانی، حسن؛ «**تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری ایران**»، **مدرس علوم انسانی**، ش ۴۱ (۱۳۸۴).

۳. قانون‌گذار در ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی در صورتی که در جرائم رانندگی، راننده یا متصدی وسایل نقلیه موتوری را که در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته باشد، به مجازات بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد ۷۱۴ به بعد همین قانون افزایش داده است. نداشتن پروانه رانندگی و ارتکاب قتل غیر عمدی از عوامل تشدید مجازات تلقی گردیده است. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۳۸ مورخه ۱۳۷۸/۷/۱۷ اظهار داشته است: به صراحت ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی ناظر به مواد ۷۱۴ الی ۷۱۷ این قانون که مقرر داشته هرگاه راننده یا متصدی وسایل نقلیه موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته باشد...

مستوجب حد و تعزیر در صورتی که هر دو جرم از یک «جنس» باشند فقط مجازات حدی به اجرا درمی آید و مجازات تعزیری ساقط می شود به جزء کذب (تبصره ماده ۱۳۵). حتی در صورتی که مجازات تعزیری شدیدتر از مجازات حدی باشد در صورت اتصاف جنس واحد بر هر دو عنوان، تعزیر ساقط می شود.<sup>۱</sup> به عنوان مثال می توان به تعارض بین مواد ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی با ماده ۶۳۹ همین قانون اشاره کرد؛ در حالی که حد قوادی هفتاد و پنج ضربه شلاق است مجازات قوادی مندرج در بند ب ماده ۶۳۹ از یک تا ده سال حبس است. مشخص است که مجازات تعزیری شدیدتر از مجازات حدی است. اما مطابق نص قانون مجازات اسلامی، تنها مجازات حدی اجرا می شود.

### ۳. تعدد اعتباری در جرائم تعزیری

تعلق حکم ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی، جرائم تعزیری است؛ بنابراین در صورتی که فعل واحد مشمول عناوین مجرمانه مختلف شود، مجازات اشد به اجرا درمی آید. برای مثال، دادگاه تجدیدنظر رأی دادگاه بدوی که مرتکب را به لحاظ مزاحمت تلفنی و توهین و تهدید با تلفن از بابت توهین به یک میلیون ریال جزای نقدی از باب تهدید به سی ضربه شلاق و از جهت مزاحمت تلفنی به چهار ماه حبس محکوم کرده بود، از مصادیق بارز تعدد معنوی تلقی و بیان

به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در موارد فوق محکوم خواهد شد. از مصادیق بارز تعدد معنوی است؛ زیرا، چنانچه مقنن بر اعمال مقررات مربوط به تعدد مادی جرم بوده که مستلزم تعیین مجازات جداگانه برای هریک از جرائم مزبور می باشد. با وجود مواد ۷۱۴ و ۷۲۳ و ۴۲ قانون مجازات اسلامی دیگر نیازی به وضع ماده ۷۱۸ آن قانون نبوده با این اوصاف نداشتن پروانه رانندگی در چنین وضعیتی از موجبات مشدده جرم است که خود قانون برای آن مجازات جداگانه در نظر گرفته است. این رأی جای تأمل دارد لیکن اگر قائل به این قاعده باشیم که ارتکاب قتل غیر عمدی ناشی از همراه نداشتن پروانه دو رفتار جداگانه تلقی نمی شود؛ به عبارت دیگر نداشتن پروانه وصف و حال مجرم در زمان ارتکاب جرم است و رفتار مجزای لازم برای انتساب جرم نیست تا از مورد تعدد مادی باشد. برای تقویت این عقیده می توان به نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۴۵ مورخه ۱۳۷۸/۵/۷ که مقرر می دارد «با وصف اینکه عنصر تشکیل دهنده تشدید مجازات از جمله نداشتن پروانه رانندگی در ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی احصا گردیده دیگر موردی برای تعیین دو مجازات و اعمال ماده ۴۷ نمی باشد» استناد کرد.

۱. الهام، غلامحسین؛ **مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم**، تهران: نشر بشری، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲.

۲. نظریه شماره ۷/۲۷۷ مورخه ۱۳۷۸/۱/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه: «قید حکم تعزیر در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی برای خارج کردن جرائم بازدارنده نیست بلکه در مقابل حدود و قصاص قرار دارد.»

می‌دارد: «در این پرونده یک رفتار انجام شده ولی می‌تواند مشمول چند عنوان تلقی گردد و چنین وضعیتی مصداق تعدد معنوی است و مستوجب یک مجازات است.»<sup>۱</sup>

هرچند قاعده تعدد معنوی جرم در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی بیان شده است، اما گاهی قانون‌گذار با وجود این قاعده، به نحو دیگری به تعیین مجازات پرداخته است. به‌عنوان مثال می‌توان به ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که بیان می‌دارد: «چنانچه هریک از مأمورین دولتی محکومی را سخت‌تر از مجازاتی که مورد حکم است مجازات کند یا مجازاتی کند که مورد حکم نبوده است به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود فقط آمر به مجازات محکوم می‌شود و چنانچه این عمل موجب قصاص یا دیه باشد مباشر به مجازات آن نیز محکوم می‌گردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم دیگری نیز باشد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر یا آمر اجرا خواهد شد.» این ماده از مصادیق بارز تعدد معنوی است و عبارت اخیر آن بر ارتکاب فعل واحد که اوصاف مجرمانه دیگری دارد، دلالت دارد. بر اساس قواعد کلی در چنین موردی می‌بایست به علت تحقق تعدد معنوی، قاعده مجازات اشد به اجرا درآید اما قانون‌گذار با عدول از قاعده اجرای مجازات اشد در تعدد اعتباری، علاوه بر مجازات جرم اصلی، به مجازات جرمی که دارای عنوان خاص مجرمانه است نیز حکم داده است؛ به عبارت دیگر جمع هر دو مجازات<sup>۲</sup>.

در حقوق کیفری انگلستان در صورتی که مجموع رفتار مرتکب دارای وصف خاصی باشد، دادگاه نمی‌تواند برای هر عنوان، مجازات جداگانه تعیین نماید. به‌عنوان مثال در جرم سرقت مشدده از منازل مسکونی<sup>۳</sup> یا قابل سکونت، دادگاه برای مرتکب مجازات ورود به عنف و حمل سلاح که از ارکان و اجزاء تشکیل دهنده جرم ذکر شده می‌باشد مجازات تعیین نمی‌نمایند. همچنین در جرم سرقت به عنف که استفاده از اسلحه هم می‌تواند از مصادیق این جرم باشد معمولاً دادگاه اتهام حمل سلاح را به‌عنوان جرم مستقل در نظر نمی‌گیرد.<sup>۴</sup>

۱. دادنامه شماره ۹۳۹۲۶ مورخه ۱۳۹۳/۶/۴ صادره از شعبه ۶۳ دادگاه تجدید نظر استان تهران.

۲. باهری، محمد و میرزاعلی اکبرخان، داور؛ **حقوق جزای عمومی**، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۰.

3. Aggravated burglary.

4. Ashworth, Andrew, Sentencing and Criminal Justice, p 240.

## ۴. تعدد مادی

در تعدد مادی یا واقعی، متهم مرتکب یک یا چند جرم مختلف یا مشابه شده است، این در حالی است که بابت این جرائم محکوم نشده است. بنابراین ارتکاب حداقل دو جرم توسط مرتکب و عدم صدور حکم قطعی نسبت به جرائمی که قبلاً متهم مرتکب شده است، شرایط تحقق تعدد مادی است.<sup>۱</sup>

جهت تبیین بهتر، قواعد تعدد مادی در جرائم تعزیری و جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیات به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲.۱. قاعده تعدد مادی در حدود، قصاص و دیات

همان‌طور که پیشتر بیان شد احکام تعدد در حدود، قصاص و دیات تابع شرایط و مقررات فقهی خاص خود است. در خصوص جرائم حدی، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است (ماده ۱۳۲ ق.م.ا) به‌عنوان مثال، چنانچه قبل از اجرای حد، مرتکب زنا دیگری شود اگر مجازات هر دو نوع زنا از یک نوع باشد، حد تکرار نمی‌شود. اما اگر مجازات‌ها از یک نوع نباشد، یعنی اگر بعضی موجب حد جلد و بعضی دیگر حد رجم باشد، قبل از رجم زانی، حد جلد جاری می‌شود (تبصره ۴ ماده ۱۳۲ قانون م.ا). در خصوص بزه قذف هم چنانچه قذف نسبت به دو یا چند نفر صورت پذیرد، دو یا چند مجازات اجرا می‌گردد. در بزه قذف گاهی الفاظ متعدد و مقذوف یکی است به عبارتی قاذف فرد واحدی است که گاهی به یک سبب و گاهی به چند سبب مثل زنا، لواط و غیره قذف می‌کند. در فرض اول، یعنی یک سبب یک مجازات و در فرض دوم، به چند سبب تعدد مجازات حدی می‌باشد. صورت دیگر این است که لفظ یکی باشد اما مقذوف متعدد باشند که محل تأمل است. چنانچه همه مقذوفین یکجا تقاضای حد نمایند، فقط یک حد اجرا می‌شود. اما اگر جداگانه تقاضا نمایند برای هر کدام حد مجزا جاری می‌شود. بنابر آنچه گفته شد، در حدود، تعدد مادی شرایط و مقررات شرعی و مبانی فقهی خاص خود را دارد. در جرائم مستوجب قصاص، تعدد جرائم و تعدد نتیجه در مجازات مرتکب مؤثر است، زیرا، قصاص حق اولیاء دم بوده

۱. استقانی، گاستون و ژرژ لواسورز برنارد، بولک؛ حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷، ص ۷۸۱.



که در استیفا یا عفو مخیرند<sup>۱</sup>. بنابراین تعدد مجازات به لحاظ تعدد سبب و تعدد مسبب و مقررات خاص قصاص قابل توجیه است. نکته قابل توجه در تداخل مجازات حدی با قصاص تقدم اجرای مجازات قصاص به لحاظ حق الناس بودن است. چنانچه اجرای حد موجب تأخیر قصاص یا از بین رفتن حق قصاص باشد، ابتدا قصاص اجرا می‌شود لیکن اصل بر جمع مجازات در این جرائم می‌باشد. در خصوص دیات هم قاعده جمع مجازات‌ها حاکم است؛ بنابراین اگر کسی ضربات متعددی را به نقاط مختلف بدن فردی وارد کند یا در اثر یک ضربه جراحات متعددی وارد نماید، قاعده جمع مجازات‌ها حاکم است<sup>۲</sup>. نکته قابل ذکر اینکه گاهی قانون‌گذار در دیات از قاعده تداخل مجازات‌ها نیز استفاده کرده است<sup>۳</sup>.

## ۲.۲. قاعده تعدد مادی در جرائم مستوجب تعزیر

قانون‌گذار بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، در خصوص تعدد در جرائم تعزیری قاعده متفاوتی را بنا گذاشته بود به طوری که تعدد جرم به دو صورت، تعدد در جرائم مشابه و مختلف تقسیم می‌شد<sup>۴</sup>. قانون‌گذار به تبعیت از شیوه معمول و بستی در خصوص جرائم متعدد مختلف، قاعده جمع مجازات‌ها را مجری می‌دانست. به عنوان مثال، در مقام تعیین کیفر برای متهمی که مرتکب سه جرم کلاهبرداری، خیانت در امانت و جعل شده بود، دادگاه سه مجازات جداگانه برای این جرائم تعیین می‌نمود. در جرائم متعدد مشابه با استناد به قسمت اخیر ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی «... فقط یک مجازات تعیین می‌گردد و در این قسمت تعدد جرم می‌تواند از علل مشدده کیفر باشد ...» دادگاه فقط یک مجازات تعیین و آن هم به جهت تعدد قابل تشدید بود هرچند قاضی اختیار تشدید بیش از بیشینه مجازات مقرر قانونی را نداشت و اختیار قاضی در محدوده

۱. برای نمونه ماده ۶۰۶ قانون م.ا مقرر می‌دارد «هرگاه آسیب رساندن به گوش به حسن شنوایی سرایت کند یا موجب سرایت به استخوان و شکستگی آن شود هرکدام دیه جداگانه دارد.»

۲. نگاه کنید به: ماده ۳۹۹ ق.م.ا.

۳. بند ب ماده ۶۴۷ قانون م.ا بیان می‌دارد: شکستن ستون فقرات که بی عیب درمان شود ولی موجب از بین رفتن یکی از منافع گردد مانند اینکه مجنی علیه توان راه رفتن یا نشستن نداشته باشد و یا توان جنسی یا کنترل ادرار وی از بین برود، موجب دیه کامله است. این در حالی است که هرکدام از این موارد ذکر شده در این ماده مستوجب پرداخت یک ققره دیه کامله می‌باشند.

۴. نگاه کنید به: ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰.

کمینه و بیشینه خلاصه می‌شد.<sup>۱</sup>

در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی سه وضعیت برای تعدد جرم پیش‌بینی شده است و برای هر کدام حکم خاصی تعیین کرده است. این سه وضعیت عبارتند از: الف) ارتکاب تا سه جرم ب) ارتکاب بیش از سه جرم ج) جرائمی که عنوان خاص دارند.

### الف) ارتکاب تا سه جرم

چنانچه بزه ارتكابی از سه جرم بیشتر نباشد دادگاه مکلف است برای هر کدام از جرائم بیشینه مجازات را مورد حکم قرار دهد اما در عمل فقط مجازات جرمی که واجد شدیدترین مجازات است به اجرا درمی‌آید. به عبارت دیگر قاضی به بیشینه مجازات قانونی برای هر سه جرم حکم صادر می‌کند و این مجازات‌ها را در حکم دادگاه قید می‌کند، اما در اجرا فقط مجازات اشد قابل اجرا است. به‌عنوان مثال، چنانچه شخصی مرتکب جرائم خیانت در امانت، سرقت ساده و کلاهبرداری شده باشد به مجازات‌های بیشینه سرقت دو سال، بیشینه خیانت در امانت سه سال و بیشینه کلاهبرداری هفت سال محکوم می‌شود و این سه مجازات به‌صورت مجزا در دادنامه تصریح می‌شود اما در اجرا، فقط مجازات اشد (یعنی کلاهبرداری ۷ سال حبس) قابل اجرا است. اگر مجازات مربوطه فاقد کمینه باشد مطابق قسمت اخیر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی «یک چهارم مجازات مقرر قانونی به مجازات اصلی اضافه می‌نماید.»

### ب) ارتکاب بیش از سه جرم

اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد قاضی تعیین‌کننده مجازات مکلف است به بیشینه مجازات مقرر در قانون به اضافه تا نصف مجازات مقرر برای آن جرم هم مجازات تعیین نماید. به بیان دیگر اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، دادگاه باید به بیشینه مجازات مقرر در خصوص آن جرائم به علاوه نصف حکم صادر کند و اختیار تشدید تا نصف بیشینه مجازات را دارد. به‌عنوان مثال، در جرائم ذکر شده در مثال قبل در خصوص سرقت می‌توان به سه سال، خیانت در امانت به ۴/۵ سال، کلاهبرداری به ۱۰/۵ سال حبس و چنانچه بزه جعل اسناد دولتی که بیشینه مجازات آن ۱۰ سال حبس است را هم به آن سه جرم قبلی اضافه کنیم به ۱۵ سال

۱. نگاه کنید به: ماده ۴۷ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۰.

حبس به لحاظ جعل اسناد دولتی حکم صادر می‌شود. اما در عمل، مجازات بیشینه قابل اجرا است. این امر از قسمت اخیر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی قابل استنباط است که مقرر می‌دارد «... در هریک از موارد فوق مجازات اشد قابل اجرا است.» همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید تعیین مجازات با توجه به قاعده فوق در صورتی میسر است که مجازات‌ها دارای بیشینه و کمیته معین قانونی باشند؛ چنانچه مجازات‌ها دارای بیشینه و کمیته معین قانونی نباشند، و به عبارت دقیق کلمه فقط بیشینه داشته باشند، در صورتی که بزه‌های ارتكابی بیش از سه بزه باشند تا نصف مجازات بیشینه تعیینی قانون‌گذار برای همان بزه به آن افزوده می‌گردد. این قاعده در صورتی که جرائم متعدد و مختلف باشند، قابل اعمال است. این برداشت از عبارت «دادگاه برای هریک از جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند...» قابل استنباط است. قانون‌گذار در خصوص جرائم ارتكابی متعدد و مشابه تعیین تکلیف نکرده است. به‌عنوان مثال چنانچه شخصی مرتکب پنج فقره کلاهبرداری شده باشد، تعدد جرائم مشابه است. قانون‌گذار در این خصوص سکوت کرده است. وقتی قانون‌گذار می‌گوید مجازات اشد یعنی باید مجازات‌ها با هم متفاوت باشند والا اگر مشابه باشند دیگر مجازات اشد برای جرائم مشابه معنی نخواهد داشت. به‌نظر می‌رسد راه حل در صورت وقوع سه جرم تعیین بیشینه مجازات و اجرای یک مجازات و در صورت وقوع بیش از سه جرم تعیین بیشینه به اضافه نصف جرم مذکور می‌باشد. در بررسی شقوق مختلف تعدد جرائم و با توجه به قاعده تعدد جرم در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی چند نکته قابل ذکر است:

**نکته اول:** گاهی نوع جرم ارتكابی یکی است اما جرائم در شرایط متفاوتی ارتکاب یافته است. به عبارت دیگر جرم جدید نیست اما با توجه به شرایط خاص مجازاتی متفاوت دارد نظیر سرقت ساده و سرقت مشدده. در اینجا قاضی باید از بیشینه مجازات برای مرتکب استفاده نماید. چنانچه جرائم مشابه بیش از چهار فقره باشند قاعده پیش گفته قابل اعمال است.

**نکته دوم:** گاهی افعال مرتکب و نوع جرائم متعدد است اما مجازات آنها در قانون یکسان است.

۱. نکته قابل توجه مقررات ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی سابق بود که قاضی در جرائم مشابه فارغ از تعداد جرائم ارتكابی حق تعیین مجازات به بیش از بیشینه مجازات مقرر برای آن جرم را نداشت. به عبارتی دیگر قانون‌گذار قائل به تشدید بود لیکن نحوه تشدید را مشخص نکرده بود و تعیین بیشینه مجازات جرائم مشابه تشدید تلقی نمی‌شد.

به‌عنوان مثال، شخصی به اتهام حمل، نگهداری، خرید و فروش مواد مخدر یا مشروبات الکلی دستگیر می‌شود. جرائم از جهت عنصر مادی و روانی مختلف هستند اما مجازات آنها یکی است. قانون‌گذار تکلیف مجازات این‌گونه جرائم را هم مشخص نکرده است. به‌نظر می‌رسد اینجا هم باید از قاعده جرائم مشابه که پیشتر ذکر شد استفاده کرد. به این نحو که اگر تا سه جرم باشد حداکثر مجازات و اگر بیش از سه جرم باشد حداکثر به اضافه نصف تعیین می‌شود اما در عمل مجازات اشد اجرا می‌گردد.

**نکته سوم:** تصور می‌شود تعدد منحصر به جرائم عمدی است و از آنجایی که فلسفه تشدید در تعدد به لحاظ حالت و وضعیت خطرناک مجرمین عمدی مرتبط است و این حالت در جرم غیرعمدی وجود ندارد بنابراین تشدید در جرائم متعدد غیرعمدی بلاوجه است. اما از یک طرف اطلاق عبارت قانون‌گذار در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی است و از طرف دیگر، حالت خطرناک ملازمه‌ای با عنصر روانی ندارد. گاهی در خصوص اشخاص فاقد اراده هم حالت خطرناک وجود دارد. تعیین اقدامات تأمینی و تربیتی برای مجنون از این دسته تدابیر است. بنابراین شخصی که بارها بر اثر بی‌احتیاطی باعث قتل یا جرح غیرعمدی می‌شود، شایسته مجازات شدیدتری قرار بگیرد.

**نکته چهارم:** تبصره ۱ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد «در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود طبق مقررات فوق عمل می‌شود». به عنوان مثال اگر فردی یا مسموم کردن آب منجر به تلف و مسمومیت حیوانات دیگران (ماده ۶۷۹ قانون مجازات اسلامی) یا خشک شدن محصولات دیگری (ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی) گردد یا بی‌احتیاطی در رانندگی منتهی به چند فقره قتل غیرعمدی.

براساس یک نظر، «جرم، یک فعل است؛ یعنی حرکت برای تغییر در محیط خارج، هرگاه یک فعل بیشتر نباشد، یک جرم بیشتر نخواهد بود. پس فعل نسبت به نتیجه فعل استقلال دارد. بنابراین اگر نتایج عدیده‌ای از فعل واحد به وجود آید، در این صورت مرتکب فعل واحد، جرم واحدی مرتکب شده است»<sup>۱</sup>. رویه قضایی هم تعدد افعال را مستقل از نتایج حاصله می‌داند. رأی اصراری شماره ۱۱۳۰/۹/۲۶/۴۱۶۵ اشعار می‌دارد: «در رانندگی تعدد نتایج (مثل اینکه در آن واحد

۱. گارو، رنه؛ مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، مترجم سید ضیاء الدین نقابت، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۴.

موجب قتل و جرح چند نفر شده باشد) موجب تعدد جرم نیست.<sup>۱</sup> در اینجا عمل مرتکب فعل واحد است ولی نتایج حاصله، هر یک جرم مستقلی است. اگر تعدد جرم را ناظر بر تعدد افعال بدانیم تنها یک جرم واقع شده است اما در صورتی که بنای تعدد بر نتایج متعدد باشد، چند جرم ارتکاب یافته است. در واقع در این حالت یک عنصر مادی را به چند جرم تسری داده‌ایم. به عبارت دیگر در اینجا قانون‌گذار، فعل واحد منتهی به نتایج مجرمانه متعدد را در حکم تعدد مادی دانسته است هرچند براساس نظر اول و اصول حقوقی و مبانی تعدد مجازات محل تأمل است.

### ج) جرائمی که عنوان خاص دارد

قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی بیان نموده است «در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاص داشته باشد مقررات تعدد جرم اجرا نمی‌شود». در این فرض هریک از جرائم ارتكابی مجازات خاص خود را دارند. در عین حال مجموعه آنها عنوان مجرمانه خاص دارند. این جرائم تحت عناوین مختلف توسط حقوق‌دانان مورد توجه قرار گرفته است. گروهی این جرائم را «جرم مرکب»<sup>۲</sup>، گروهی آن را از مصادیق تعدد معنوی<sup>۳</sup> و عده‌ای هم این جرائم را «جرم شامل» نام‌گذاری کرده‌اند.<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد این جرائم ماهیتی جداگانه از جرائم مرکب و تعدد معنوی دارند. چون در جرم مرکب مجموع اعمال ارتكابی یک جرم را تشکیل می‌دهند. منظور قانون‌گذار این است که چند جرم وصف مجرمانه واحدی داشته باشند. به نحوی که اگر این وصف مجرمانه واحد نبود هریک به تنهایی قابل مجازات بود نظیر سرقت و حمل سلاح که هریک به تنهایی جرم مستقل هستند اما قانون‌گذار این دو جرم را مشمول عنوان واحد جرم سرقت مسلحانه تلقی کرده است. همین برداشت در خصوص جرم مرکب و اعتیادی و جرم مرتبط قابل تأمل است. زیرا، در این‌گونه جرائم هم عنوان واحدی برای جرائم متعدد در نظر گرفته شده است. برای مثال می‌توان به ماده ۶۸۳ قانون م. ا اشاره کرد. مطابق این ماده، نهب و

۱. مجموعه رویه قضایی، آرشیو حقوقی کیهان، ج اول، ص ۹۹.

۲. پیمانی، ضیاء الدین؛ بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، قم: مجتمع آموزش عالی، ۱۳۷۴، ص ۲۳.

۳. اردبیلی، محمدعلی؛ پیشین، ص ۲۴۲.

۴. طاهری‌نسب، سید یزدالله؛ تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، دانشور، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲.

غارت اموال و اجناس و امتعه چنانچه محارب نباشد، مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس محکوم خواهد شد. این در حالی است که موضوع نهب به معنی تخریب و غارت به معنی سرقت تحت عناوین دیگر در قانون جرم‌انگاری شده‌اند.<sup>۱</sup> در نظام کیفری انگلستان طرح اتهام علیه مجرمین متعدد و رعایت تناسب بین جرم و مجازات در صورت تعدد از نظر نظری و عملی مشکلاتی را در پی دارد. دادستان در تعقیب این مجرمین چهار راهکار در اختیار دارد.

### راهکار نخست: طرح کلیه اتهامات<sup>۲</sup>

در این راهکار دادستان، متهم را به اتهام تمام جرائمی که دلایل کافی برای انتساب وی در اختیار او است مورد تعقیب قرار می‌دهد. در صورتی که متهم اتهامات انتسابی را انکار کند احتمال طولانی شدن کیفرخواست و عدم امکان رسیدگی دقیق و منصفانه به کلیه اتهامات وجود دارد. در این حالت طولانی شدن رسیدگی به یک کیفرخواست می‌تواند خارج از حد انتظار متعارف و مورد انتظار هیئت منصفه و فراتر از تحمل آنها باشد. بنابراین این قاعده پذیرفته شده است که دادستان باید اتهامات مهم را انتخاب کند و اتهامات جزئی و کم اهمیت را کنار بگذارد، مشروط بر اینکه محکومیت بر اساس اتهام انتخاب شده، برای تعیین مجازات مورد انتظار دادستان کافی باشد. گاهی هم دادستان اتهامات متعدد را برای متهم بیان می‌کند تا وارد معامله اتهام<sup>۳</sup> با وی شود، به نحوی که متهم در قبال پذیرش بعضی از آنها، از سایر اتهامات صرف‌نظر می‌کند.

### راهکار دوم: طرح اتهامات نمونه<sup>۴</sup>

چنانچه دادستان دلایلی در اختیار داشته باشد که نشانگر جریان مستمری از ارتکاب جرم را در طول دوره زمانی قابل توجهی باشد و معمولاً (نه همیشه) علیه مجنی علیه واحدی رخ دهد مانند جرائم جنسی علیه اطفال یا سرقت از یک کارفرما، دادستان در چنین وضعیتی ممکن است تصمیم بگیرد که چند فقره از جرائم ارتكابی را به‌عنوان نمونه، مبنای طرح اتهام قرار دهد و از نیاز به جلسات متعدد محاکمه جلوگیری گردد؛ در عین حال قاضی هم مبنای روشنی برای مجازات متهم در اختیار خواهد داشت. رویه این است که سایر جرائم که احتمالاً متهم مرتکب شده و به آن اقرار نکرده است یا تقاضا نکرده مورد لحاظ قرار گیرد، در مقام تعیین مجازات لحاظ

۱. نگاه کنید به: ماده ۶۷۷ و مواد ۶۵۱ به بعد قانون م.ا.

2. Charge all offences.

3. Plea Bargaining.

4. Charge specimen offences.

نمی‌شود. با این حال دادستان می‌تواند به استناد ماده ۱۷ «قانون خشونت خانوادگی، جرم و بزه دیدگان»، از قاضی دادگاه جنایی بخواهد در خصوص بعضی از اتهامات مندرج در کیفرخواست بدون دخالت هیئت منصفه رسیدگی نماید. بنابراین دادستان می‌تواند تعداد قابل توجهی از اتهامات را مطرح و قاضی دادگاه را متقاعد کند که بعضی از این اتهامات را می‌توان به شکل منصفانه‌ای، به‌عنوان نمونه‌ای از سایر اتهامات تلقی کرد. در این صورت اگر به نظر قاضی، محاکمه توسط هیئت منصفه برای کلیه اتهامات عملی نباشد و اتهاماتی که دادستان برای محاکمه در حضور هیئت منصفه انتخاب کرده نمونه‌ای از سایر اتهامات باشد و این تصمیم به اجرای بهتر عدالت کمک می‌کند. در چنین حالتی قاضی دستور می‌دهد که باقی اتهامات با دخالت وی رسیدگی شود. در این حالت ابتدا محاکمه اتهامات نمونه با حضور هیئت منصفه برگزار می‌شود. در صورت محکومیت متهم، قاضی سایر اتهامات را به تنهایی و بدون دخالت هیئت منصفه بررسی خواهد کرد.

#### راهکار سوم: ترجیح یک عنوان کلی‌تر اتهامی<sup>۲</sup>

وقتی در خصوص ارتکاب مستمر جرم در مدتی طولانی، مستنداتی وجود داشته باشد، طرح یک اتهام عام و کلی مرجح است. اگر دو یا چند فرد در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند یک اتهام تبانی برای ارتکاب جرم ممکن است برای تأمین اهداف دادرسی در تعقیب مرتکب یا راهکاری برای تشدید مجازات سودمند باشد. به عبارت دیگر دادستان از طرح یکایک اتهام اجتناب و مجموعه اعمال متهم را به یک عنوان جامع‌تر نظیر «تبانی» برای ارتکاب همان جرم منطبق می‌سازد.

#### راهکار چهارم: شیوه جرائم تحت نظر<sup>۳</sup>

دادستان از متهم دعوت می‌کند با توجه به اینکه به جرم معینی محکوم شده است از دادگاه به‌طور داوطلبانه بخواهد به سایر جرائم او رسیدگی و آنها را مورد لحاظ قرار دهد. در این روش، جرائم به‌طور صریح برای متهم بیان می‌شود و از او خواسته می‌شود که مسئولیت آنها را بپذیرد؛ متهم با ملاحظه جرائم چنانچه نسبت به هریک رضایت داشته باشد، به‌طور صریح بیان می‌کند.

1. Domestic Violence crime and Victims Act 2004.  
2. Prefer a general charge.  
3. Offences taken into consideration.

جرائم مورد قبول متهم به‌عنوان سابقه محکومیت وی شناخته شده و تنها مبنای تعیین مجازات و تشدید آن محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> دادگاه در تعیین مجازات برای مرتکبین جرائم متعدد از «ضابطه هم زمانی»<sup>۲</sup> یا «تعیین مجازات به‌صورت متوالی»<sup>۳</sup> تبعیت می‌کند. هرگاه دادستان برای یک واقعه مجرمانه چند اتهام را مطرح کند، قاعده کلی این است که هم زمانی یا فاصله زمانی بسیار کم میان جرائم ارتكابی، موجب تسهیل مجازات‌های هم زمان برای جرائم ارتكابی می‌شود مگر اینکه نوع جرائم ارتكابی مورد نظر ماهیتاً متفاوت باشد که در این حالت، ترجیح با مجازات‌های متوالی است.

در مقابل هرگاه جرائم تحت رسیدگی علیه قربانیان متعدد در جریان وقایع مجرمانه مجزا ارتکاب یافته باشد و نیز در مورد ارتکاب جرائم مشابه در زمان‌های مختلف، معمولاً از مجازات‌های متوالی استفاده می‌شود.<sup>۴</sup> این قواعد، الزامی برای دادگاه ایجاد نمی‌کنند و آنها می‌توانند به دلایل موجه قواعد مذکور را نادیده بگیرند. بنابراین اگر متهم مرتکب بیش از یک جرم که مجازات آن حبس است گردد، دادگاه اختیار دارد تا دستور دهد مجازات‌ها به‌صورت هم‌زمان یا پی‌درپی اجرا گردد. قاعده این است که اگر دادگاه در این خصوص سکوت کند مجازات‌ها باید به‌صورت هم‌زمان اجرا گردد. مطابق ماده ۱۳۳ «قانون دادگاه‌های صلح»<sup>۵</sup>، اختیارات دادگاه در اجرای مجازات‌های متوالی محدود شده است.<sup>۶</sup> در خصوص محدودیت‌های دادگاه صلح نکته قابل توجه این است که چنانچه این دادگاه مجرم را به جهت ارتکاب دو یا چند جرم اختصاری مجازات کند،<sup>۷</sup> نمی‌تواند بیش از شش ماه حبس تعیین نماید. به‌عنوان مثال اگر دادگاه مجرمی را به خاطر ارتکاب سه فقره مزاحمت محکوم کند، می‌تواند حکم به سه دوره سه ماهه حبس که هم‌زمان اجرا می‌شود یا به سه دوره دو ماهه که پی‌درپی به اجرا درمی‌آید صادر نماید اما نمی‌تواند او را به سه دوره سه ماهه که مجموعاً نه ماه حبس است محکوم نماید، زیرا از محدودیت‌های قانونی فراتر رفته و خارج از صلاحیت دادگاه صلح می‌باشد. در صورتی که دادگاه صلح مجرمی را به

1. Ashworth, Andrew, Sentencing and criminal justice, op.cit.pp240-242.

2. Concurrent.

3. Consecutive.

4. Spark, John (2004), A Practical Approach to Criminal Procedure, Oxford University Press, tenth edition p 415.

5. Magistrates Courts Act.

6. Spark, John, op.cit.p 197.

7. Summary offence.



خاطر ارتکاب دو جرم دو وجهی<sup>۱</sup> و یک جرم اختصاری (مثل دو فقره سرقت و یک فقره حمله به افسر پلیس در حین انجام وظیفه) محکوم کند، می‌تواند برای هر یک از جرائم مذکور شش ماه حبس هم زمان یا چهار ماه حبس متوالی تعیین کند. اختیار دادگاه صلح در تعیین مجازات به موجب مواد ۱۵۴ و ۱۵۵ از قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ از شش ماه به یک سال افزایش یافته است؛ ضمن اینکه در خصوص جرائم متعدد اعم از اختصاری و دو وجهی تعیین مجازات تا ۶۵ هفته از طرف دادگاه صلح تجویز شده است.<sup>۲</sup> ذکر این نکته خالی از وجه نیست که اگر دادگاه صلح متهم را به لحاظ ارتکاب دو جرم، یکی اختصاری و دیگری دو وجهی (مثلاً ایجاد مزاحمت با وسیله نقلیه یا سرقت از وسیله نقلیه دیگر) محکوم کند باز هم مجازات نمی‌تواند در مجموع بیش از شش ماه باشد اما اگر جرائم دو وجهی باشند مجموعه مجازات‌ها می‌تواند بیش از شش ماه تا حداکثر دوازده ماه باشد. بنابر آنچه گفته شد اصل بر اجرای هم‌زمان مجازات‌ها بوده لیکن اگر دادگاه اجرای متوالی مجازات‌ها را لحاظ کند باید تناسب بین جرم و شرایط مجرم از یک سو و مجموع مجازات‌ها از سوی دیگر در نظر گرفته شده و مراعات شود. این قاعده «اصل کلیت»<sup>۳</sup> نام دارد. البته استتفا زمانی است که مثلاً می‌توان از حمل سلاح به صورت غیر قانونی در جرائم خشونت‌آمیز (سرقت مقرون به آزار) به‌عنوان امری مربوط به آن واقعه یاد کرد که معمولاً به‌عنوان یک اتهام جداگانه طرح می‌گردد و دادگاه هم مجازات متوالی تعیین می‌کند. به لحاظ شدت جرم و ضرورت توجه به اهداف بازدارندگی مجازات، تعیین مجازات‌های متوالی توجیه می‌شود.

1. Offence triable either way.  
2. Spark, John, op. cit. p178.  
3. Totality Principle.

## نتیجه گیری

به نظر می‌رسد تحولات اخیر در سیاست کیفری تقنینی معطوف به تشدید مجازات مرتکبین جرائم متعدد است. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی اخیر، در مقایسه با سایر قوانین مصوب در گذشته، ضمن دقت بیشتر در تعیین مجازات مجرمین مزمن علاوه بر تشدید مجازات، اختیارات قاضی در تعیین مجازات را به بیش از پیشینه نیز تجویز کرده است. این در حالی است که پیش از این قاضی حق تجاوز از پیشینه مقرر قانونی حتی با فرض ارتکاب جرائم متعدد را نداشت. همچنین قانون‌گذار با نظام‌بخشی به تعیین مجازات در خصوص حدود، قصاص و دیات و تداخل آنها با تعزیرات، قاضی را تا اندازه‌ای از مراجعه به منابع فقهی بی‌نیاز کرده است. در خصوص جرائم تعزیری هم ضمن ایجاد تحول در نحوه تعیین مجازات، قاضی را تا حد زیادی مقید نموده است؛ لیکن تکلیف بعضی از حالات تعدد، نظیر ارتکاب جرائم متعدد مشابه و جرائم متعدد متفاوت با مجازات یکسان را مشخص نکرده است. به‌طور قطع در صورت تعدد جرائم مشابه مطابق قاعده در صورت ارتکاب تا سه جرم پیشینه مجازات را برای هریک از جرائم تعیین و در عمل یک مجازات اجرا می‌شود. در صورت ارتکاب بیش از سه جرم مطابق قاعده ضمن تعیین پیشینه مجازات هریک از جرائم، اختیار افزایش مجازات به بیش از پیشینه تا نصف پیشینه مجازات، به قاضی محول شده است. این استنباط در ارتباط با جرائم متعدد و مختلف که مجازات یکسانی دارند نیز قابل اعمال است. تعدد نتیجه نیز تابع قواعد تعدد مادی جرم است و با رعایت تعداد جرائم ارتكابی مجازات تعیین می‌شود. لازم به ذکر است چنانچه مجموع اعمال ارتكابی دارای عنوان خاص باشند از شمول قاعده تعدد خارج دانسته شده است و مرتکب مستحق مجازات قانونی است. در مجموع قانون‌گذار با هدف برخورد با مجرمین مزمن سیاست تشدید مجازات مرتکبین متعدد را پی گرفته است. کاستی‌های و خلأهای موجود با اجرای قانون بیشتر آشکار شده و به‌طور قطع از طریق قانون‌گذاری و آرای وحدت رویه قابل اصلاح می‌باشد.

در نظام حقوقی انگلستان در رابطه با تعیین کیفر برای مجرمین متعدد از دو ضابطه تعیین مجازات به صورت هم‌زمان و متوالی تبعیت می‌شود. هرگاه برای یک واقعه مجرمانه چند اتهام مطرح شود، قاعده کلی این است که هم‌زمانی یا فاصله زمانی بسیار کم میان جرائم ارتكابی،

موجب تعیین مجازات‌های هم‌زمان برای جرائم ارتكابی می‌شود مگر نوع جرائم ارتكابی ماهیتاً متفاوت باشند که در این حالت، ترجیح با مجازات‌های متوالی است. هرگاه علیه قربانیان متعدد در جریان وقایع مجرمانه مجزا، جرائم متعددی ارتكاب یافته باشد و همچنین در مورد ارتكاب جرائم مشابه در زمان‌های مختلف، معمولاً از مجازات‌های متوالی استفاده می‌شود.

سیاست کیفری قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی اخیر، مشابه سیاست کیفردهی هم‌زمان در نظام حقوقی انگلستان است؛ هرچند در قانون اخیر معیار تعیین کیفر در جرائم متعدد از معیار «نوع» جرائم به «تعداد» جرائم تغییر یافته است. در ایران برخلاف انگلستان در خصوص جرائم متعدد مختلف، قاعده هم‌زمانی نیز پذیرفته شده است در حالی که در نظام انگلستان جرائم متعدد مختلف براساس نظام کیفردهی متوالی تعیین کیفر می‌شود. در حقوق کیفری ایران، قاضی در مقام تعیین کیفر برای جرائم بیشتر از سه جرم می‌تواند تا حداکثر مجازات قانونی به‌علاوه نصف حداکثر را به‌عنوان کیفر قابل اجرا تعیین نماید، در حالی که در حقوق انگلستان حداکثر مجازات‌ها برای هر یک از جرائم متعدد تعیین و تمام مجازات‌ها به نحو متوالی اجرا می‌شود. در صورت جمع مجازات‌ها قاضی باید میزان تناسب را نیز بسنجد. در واقع در حقوق انگلستان قاضی با معیار تناسب زمانی که مجموع مجازات‌های تعیین شده، بسیار شدید و سخت می‌شود از مجموع حبس می‌کاهد یا در مورد بعضی از آنها به صورت هم‌زمان کیفر تعیین می‌کند.

## فهرست منابع

## الف) فارسی

۱. اردبیلی، محمد علی؛ حقوق جزای عمومی، ج اول، ج دوم، ۱۳۹۳.
۲. استفانی، گاستون و ژرژ لواسور و برناده بولک؛ حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۳. الهام، غلام حسین؛ مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم، بشری، ۱۳۷۶.
۴. الهام، غلام حسین و برهانی، محسن؛ درآمدی بر حقوق جزای عمومی، نشر میزان ۱۳۹۳.
۵. باهری، محمد و میرزا علی اکبرخان، داور؛ حقوق جزای عمومی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۰.
۶. پیمانی، ضیاءالدین؛ بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، قم: مجتمع آموزش عالی ۱۳۷۴.
۷. پوربافرانی، حسن؛ «تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری ایران»، ۱۳۸۴، مدرس علوم انسانی، ش ۴۱.
۸. پوربافرانی، حسن؛ نقد سیاست جنایی حدود محور در مقررات تعدد و تکرار در حقوق کیفری ایران، نامه مفید، دوره ۱۱، ۱۳۸۴، ش ۴۹.
۹. جعفری، مجتبی؛ تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، پژوهش حقوق کیفری، ۱۳۹۲، ش ۵.
۱۰. رایجیان اصل، مهرداد؛ تحلیلی بر مقررات تعدد جرم و دشواری‌های آن، دیدگاه‌های حقوقی، ۱۳۸۲، ش ۲۹-۲۸.
۱۱. زراعت، عباس؛ «تمایز حالت تعدد معنوی جرائم از عناوین مشابه»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۳، ۱۳۹۲، ش ۳.
۱۲. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، ج دوم، طرح نو، ۱۳۵۱.

۱۳. طاهری نسب، سیدیزد الله؛ **تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا**، دانشور، ۱۳۸۱.
۱۴. علی آبادی، عبدالحسین؛ **حقوق جنایی**، انتشارات بانک ملی، ج دوم، ۱۳۵۳.
۱۵. قیاسی، جلال‌الدین؛ **بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه**، حقوق اسلامی، سال پنجم، ۱۳۸۸، ش ۲۰.
۱۶. گارو، رنه؛ **مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا**، ترجمه سیدضیاءالدین نقابت، ابن سینا، ۱۳۴۴.
۱۷. محسنی، مرتضی؛ **حقوق جزای عمومی**، چ اول، گنج‌دانش، ۱۳۹۳.
۱۸. **مجموعه رویه قضایی**، آرشیو حقوقی کیهان، ج اول.
۱۹. نجیب‌حسینی، محمود؛ **رابطه سببیت در حقوق کیفری**، ترجمه سید عباس نیای زارع، دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۸۵.
۲۰. نوربها، رضا؛ **زمینه حقوق جزای عمومی**، چ هفدهم (ویرایش جدید)، گنج دانش، ۱۳۸۵.

### (ب) لاتین

21. Allen, Michael (2007), Textbook on Criminal Law, 9th, New York, Oxford.
22. Ashworth, Andrew (2000), Sentencing and Criminal justice, Cambridge University Press.
23. Spark, John (2004), A Practical Approach to Criminal Procedure, Oxford University Press, tenth edition.

